

محمود جوان

عضو هیأت علمی سمت

تاریخ وصول: ۸۳/۱۰/۲۸

تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۲/۱۹

#### چکیده

در این مقاله سعی شده است ترجمه لغات و اصطلاحات اسلامی در زبان فرانسه بررسی و نقاط ضعف و قوت آن‌ها با تجزیه و تحلیل فرهنگ‌های لغت معتبر مشخص شود. یکی از شاخص‌های مهم تفاوت ترجمه متون وجود لغات و اصطلاحات تخصصی است. در نتیجه مترجم متون اسلامی باید به این اصطلاحات تسلط داشته باشد و به درستی از آن‌ها استفاده کند. استفاده از نویسه‌گردانی و آوانگاری لغات و اصطلاحات، به فهم بهتر مطالب کمک می‌کند، در نتیجه دانشجویان باید با این قواعد و فنون آشنا شوند. در صورتی که قواعد نویسه‌گردانی رعایت نشود، خواندن متن دشوار و گاه نادرست خواهد بود. در نویسه‌گردانی اسامی و اصطلاحات اسلامی از اسلوبی متفاوت از اسلوب‌های پذیرفته شده در سایر علوم استفاده می‌شود. دسته‌بندی و بررسی لغات و اصطلاحات از ویژگی‌های این مقاله است. برای بررسی دقیق‌تر واژه‌ها از فرهنگ‌های تخصصی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: اسلام، اصطلاحات اسلامی، ترجمه، معادل‌گذاری، نویسه‌گردانی، نقد.

تا کنون کمتر کتاب یا مقاله مستقلی پیرامون ترجمه لغات و اصطلاحات اسلامی به زبان فرانسه نوشته شده است. در مقاله حاضر سعی شده است تا لغات و اصطلاحات اسلامی بررسی و نقاط ضعف و قوت آنها با تجزیه و تحلیل فرهنگ‌های لغت معتبر مشخص شود. یکی از فرهنگ‌های فارسی - فرانسه که برای استفاده دانشجویان تدوین شده، فرهنگ لغات و اصطلاحات اسلامی تألیف دکتر ابراهیم شکورزاده است. آن‌گونه که در مقدمه این کتاب آمده است، مؤلف کوشیده است فرهنگ جامع و کاملی از لغات و اصطلاحات فقهی با ترجمه دقیق آن‌ها به زبان فرانسه فراهم آورد. اما در صورت دسته‌بندی لغات و اصطلاحات و بررسی آن‌ها، به نظر می‌رسد فرهنگ مذکور کاستی‌هایی دارد که در خور توجه است.

۱. بیشتر لغات و اصطلاحات قدیمی‌اند و اصطلاحات جدید و روزمره کمتر به چشم می‌خورد.

۲. بخش بیشتر کتاب را اسامی خاص تشکیل می‌دهد.

۳. بسیاری از معادل‌ها توضیحی‌اند و به عبارتی معادل نیستند، در نتیجه دانشجویان به خوبی نمی‌توانند از این توضیحات در ترجمه متون تخصصی اسلامی استفاده کنند.

۴. منابع معادل‌های استفاده شده مشخص نشده‌اند. بدیهی است مؤلف از منابع و مآخذی استفاده کرده است که معادل‌ها و برابر نهادهای فراهم آمده، صرفاً حاصل فکر و خلاقیت ایشان نیست و این موضوع مسئولیت مؤلف را دو چندان می‌کند. گواه این مطلب وجود برخی از معادل‌ها و توضیحات در دایره‌المعارف اسلامی به زبان فرانسه است که این موضوع از اعتبار آن می‌کاهد.

۵. از شیوه معمول و متداول نویسه‌گردانی اصطلاحات برای کمک به درک مفاهیم استفاده نشده است، در نتیجه دانشجویان از وجود راهنمایی مؤثر و کارآمد برای ترجمه متون اسلامی محروم می‌مانند.

یافتن معادل برای القای معنای پیام از زبان نخست به زبان دوم اساسی‌ترین بخش ترجمه محسوب می‌گردد. آنچه باعث تفکیک متون ترجمه شده از یکدیگر می‌شود، واژگان تخصصی است. در متون اسلامی به دلیل غنای زبان عربی و از آن مهم‌تر فرهنگ و تمدن اسلامی واژگان جایگاه خاصی دارند و معادل‌گذاری آن‌ها در زبان فرانسه دشوار است. از آنجا که دانشجویان و مترجمان تحت تأثیر سایر ترجمه‌ها بر این اعتقادند که الزاماً برای هر واژه‌ای معادلی لازم است، بنابراین در فرهنگ‌های لغت دو زبانه، معادل‌ها را جستجو می‌کنند حال آن‌که برای بسیاری از لغات، معادلی وجود ندارد و به جای معادل‌گذاری ناقص، می‌توان از نویسه‌گردانی استفاده کرد.

خاورشناسان با تمام دقتی که در کار خود داشته‌اند گاهی در ترجمه لغات و اصطلاحات اسلامی و حتی در فهم لغات و اصطلاحات عادی، دچار لغزش و اشتباه شده‌اند. به عنوان نمونه باید متذکر شد که رژی بلاشر خاورشناس مشهور، در ترجمه قرآن به زبان فرانسه، لااقل در بیست مورد دچار خطا و اشتباه شده و کلمان آوار مستشرق فرانسوی نیز در ترجمه کتاب مناقب العارفین و نگارش کتاب تاریخ عرب مرتکب چندین خطای فاحش گردیده است (شکورزاده، ۱۳۷۵، مقدمه).

## بحث و بررسی

۱. اصطلاحات پایه. اساس و پایه ترجمه متون اسلامی بر پایه این اصطلاحات استوار است و دانشجویان در درس ترجمه متون اسلامی، آن‌ها را فرا می‌گیرند. هر چند به دلیل کثرت استعمال برخی از این اصطلاحات کاملاً جا افتاده‌اند، ولی بعضی از این معادل‌ها مفهوم مورد نظر را به ذهن متبادر نمی‌کنند.

- واژه (prière) که اغلب به نماز ترجمه می‌شود، بیشتر مفهوم دعا، نیایش و سپاس‌گذاری را به ذهن متبادر می‌کند. در صورتی که صفت quotidienne (روزانه) به آن افزوده شود، در آن صورت مفهوم نماز را بهتر به ذهن مخاطب فرانسوی زبان منتقل خواهد کرد.

La prière est essentiellement une élévation de notre conscience, de notre esprit vers Dieu pour l'adorer, le remercier, lui exposer nos besoins, et lui demander son secours. C'est l'adoration qui est l'acte essentiel de la prière. (Larousse du XXe siècle, «prière»)

- وحی (Révélation). اصطلاح اسلامی «وحی» با معادل آن در مسیحیت اندکی تفاوت دارد: «وحی» (در زبان عربی به معنای «اشاره») در اصطلاح اسلامی بر هدایت الهی دلالت می‌کند و قرآن مجید بارها این اصطلاح را در مورد هدایت تکوینی موجودات و هدایت تشریحی انسان‌ها و سایر هدایت‌های الهی به کار برده است ...

"révélation" (از ریشه لاتینی "revelare" به معنای «ظهور» و «پرده برداشتن») در اصطلاح مسیحیت به ظهور خدا برای انسان‌ها به منظور نجات آنان دلالت می‌کند. علاوه بر جهان آفرینش که مظهر آفریدگار است، نجات بنی اسرائیل با شکافته شدن دریا، احکام تورات و زندگی

وحی در یهودیت تقریباً مانند اسلام است و به عقیده یهودیان، وحی و نبوت حدود چهار قرن قبل از میلاد منقطع شده است (توفیقی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴).

- وضو (ablutions rituelles, ablutions mineures, ablutions purificatoires). معادل‌های ارائه شده هیچ یک معنای دقیق وضو را به ذهن متبادر نمی‌کنند و بعضی از این معادل‌ها را می‌توان برای غسل نیز استفاده کرد. هر چند می‌توان با افزودن صفت، مفهوم غسل را دقیق‌تر بیان کرد که توضیح دادن آن مشکلی را حل نخواهد کرد.

ablution majeure pratiquée après les couches ou après le commerce charnel

- رمضان (ramadan) این واژه با استفاده از نویسه‌گردانی وارد زبان فرانسه شده است. به دلیل مشکل نویسه‌گردانی و عدم پایبندی به قواعد آن تصور شده است که تلفظ این کلمه [ramadān] است. دلیل دیگر آن - همچنان‌که در فهرست نویسه‌گردانی آمده است - می‌تواند فرانسوی کردن نویسه‌گردانی باشد.

۲. اصطلاحات تخصصی. در ترجمه متون تخصصی برای ترجمه اصطلاحات و واژگان به طور اعم و متون اسلامی به طور اخص، معادل و برابر نهاد دقیقی لازم است تا مفهوم به صورت کامل به زبان مقصد منتقل شود. در صورت نبود معادل، محققان و مترجمان متون اسلامی برای انتقال مفاهیم تخصصی از شیوه به نظر مطلوبی برای ترجمه واژه‌ها پیروی می‌کنند و آن عبارت از بازنویسی اصطلاحات در جلو معانی واژه‌های مورد نظر است تا خواننده از این طریق به مفهوم اصلی رهنمون شود.

برای پرهیز از تشتت و چند گونگی، بازنویسی واژه‌ها و اصطلاحات باید بر پایه اصول صحیح و دقیق انجام شود. تدوین قواعد لازم برای بازنویسی باید با استفاده از دستاوردهای نظری و علمی زبان‌شناسی باشد.

نمونه اول (واژه‌های تخصصی نویسه‌گردانی شده، معادل‌ها داخل پرانتز آمده‌اند)

Nos auteurs fréquemment précisent: la *walâyat* c'est la *mahabbat* (dilection, amour); le *walî*, c'est le *mohibb* (l'ami, celui qui aime). C'est cette signification directe, cette résonance profonde, qu'on laisse échapper, lorsque l'on cède à la routine et à l'à-peu-près et que l'on traduit le mot *walî* simplement par le mot "saint". Certains aspects coïncident sans doute, mais ce que connotent les termes de *walî* et de *walâyat* déborde ce que dans nos langues on entend habituellement et *canoniquement* par "saint" et par "sainteté". Par là même, ne nous étonnons plus si l'essence du shî'isme a été si fréquemment méconnue; il importe de comprendre que la *walâyat* en est le concept central, un concept qui s'y déploie en aspects multiples, cernant tout l'horizon de la vision du monde, et il importe d'en comprendre le sens fondamental. (Corbin, 1971, p. 285)

نمونه دوم (معادل‌ها داخل پرانتز و با خط فارسی آمده‌اند)

Le *ta'lim* rejette, en matière religieuse et juridique, tout raisonnement (نظر), c'est à dire, tout effort de réflexion personnelle par voie d'opinion (رأی) ou d'analogie (قیاس). Précisons ce qu'on entend par là, car il en est continuellement question dans le *Qias*. Nous savons qu'après la mort de Mahomet, la communauté musulmane ne possédait que le Coran et la Sunna pour élucider les problèmes nouveaux, au sujet de la foi et du droit. A ces deux sources venait très tôt s'ajouter une troisième, le consensus universel (اجماع). Mais le Coran, par ailleurs, avait besoin d'interprétation. Les traditionalistes s'en tenaient à la lettre, alors que certains commentateurs faisaient crédit à la raison pour expliquer les versets ambigus (مشتبه). (Chelot, 1958, p. 9)

نمونه سوم معادل لاتین با استفاده از نویسه‌گردانی اصطلاحات اسلامی

Prix de sang ( <i>diya</i> )	La niche ( <i>mihrahb</i> )
Le prône ( <i>khotba</i> )	L'intention ( <i>niyyat</i> )

Au sens apparent ( <i>zahir</i> )	La communauté ( <i>umma</i> )
Au sens caché ( <i>batin</i> )	Le non-musulman protégé ( <i>dhimmi</i> )
Annonciateur ( <i>nadhir</i> )	La capitation ( <i>jizya</i> )
Antéchrist ( <i>ad-Dajjal</i> )	La tradition ( <i>hadith</i> )
La foi ( <i>iman</i> )	

۳. اصطلاحاتی که اغلب به معانی ظاهری آنها توجه می‌شود.

- متکبر (Fier)، که ترجمه درست آن در مورد خداوند صاحب کبریا و عظمت است و باید به Altier ترجمه شود.

- خیرالماکرین (Meilleur de ceux qui rusent)، که مقصود از کلمه ماکرین که به خدا نسبت داده شده، مکار یا مکرکننده، نیست بلکه

مقصود کسی است که درست اسباب‌چینی می‌کند یا بیش از هر کس و بهتر از هر کس می‌تواند اسباب‌چینی کند (شکورزاده، ۱۳۷۵، مقدمه).

۴. در ترجمه اصطلاحات باید از توضیح دادن آنها خودداری شود. مترجم باید سعی کند برای اصطلاحات تخصصی معادل بیابد، مگر

این که اصطلاحات تخصصی نویسه‌گردانی شوند و توضیح اجمالی آنها داخل پرانتز ذکر شود.

نمونه اول اصطلاحاتی که در فرهنگ لغات و اصطلاحات اسلامی به صورت توضیحی آمده است.

Prière pour remercier Dieu du résultat heureux de quelque entreprise	نماز شکر
Chef du chœur (dans les pratiques de Muharram)	نوحه‌خوان
Récit des hommes et des djinns	حدیث ثقلین
Tradition remontant seulement à un Compagnon	حدیث موقوف
Celui qui cache toutes les fautes humaines aux yeux d'autrui	ستارالعیوب
Commémorer la mort ou le martyre des imams	روضه خواندن

نمونه دوم (در این نمونه از نویسه‌گردانی استفاده شده است)

بدان که در وضو شش چیز فرض است و ده سنت. اما فرایض وضو اول نیت، دوم روی شستن، سیم هر دو دست را تا آرنج‌ها شستن،

چهارم مسح بعضی از سر، پنجم پای‌ها شستن، ششم ترتیب نگاه داشتن.

Sache que dans le *wudū* six choses sont *fard* et dix *sunna*. Les *fara'id* du *wudu* sont : 1) intention ; 2) lavement du visage ; 3) lavement des deux mains jusqu'aux coudes ; 4) frottement d'une partie de la tête ; 5) lavement des pieds ; 6) l'ordre. (Mollé, 1962, pp. 160-161)

نمونه سوم

اما سنت‌های وضو اول بسم‌الله گفتن، دوم کف دست‌ها را سه بار شستن، سوم مضمضه، چهارم استنشاق، پنجم مسح سر، ششم مسح

گوش‌ها، هفتم مسح گردن، هشتم انگشتان پای را خلال کردن، نهم ابتدا هر عضوی را به راست کردن، دهم هر عضوی را سه بار شستن.

Les *sunna* du *wudū* sont : 1) dire *bismi'llahi* ; 2) lavement des paumes trois fois ; 3) rinçage de la bouche ; 4) reniflement de l'eau ; 5) frottement de toute la tête ; 6) frottement des deux oreilles ; 7) frottement du cou ; 8) relâchement des orteils ; 9) le fait de commencer à laver chaque membre par la droite ; 10) le fait de laver chaque membre trois fois. (*Ibid.*)

در دو رکعت نماز سی و سه چیز فرض است. اول قیام، دوم نیت، سوم تکبیرة الاحرام، چهارم فاتحه بسم الله، پنجم رکوع، ششم آرام، هفتم اعتدال، هشتم آرام، نهم سجود، دهم آرام، یازدهم نشستن میان دو سجده، دوازدهم آرام، سیزدهم سجده دوم، چهاردهم آرام. و در رکعت دوم دوازده بود، زیرا که نیت و تکبیر از وی بیفتد. و هفت در تشهد، اول قعود، دوم ثنا، بر حق التحیات الله، سوم سلام بر نبی و بر بندگان صالح، چهارم شهادتین، پنجم صلوات، ششم تسلیم، هفتم ترتیب.

Dans deux rak'a de la prière trente-trois choses sont fard: 1) se lever; 2) intention; 3) takbīrat al-ihrām; 4) la Fātiha avec bismi'llāh; 5) rukū'; 6) repos; 7) redressement; 8) repos; 9) suḡūd; 10) repos; 11) s'asseoir entre deux saḡda; 12) repos; 13) deuxième saḡda; 14) repos. Dans la deuxième rak'a il y en a douze, car on y omet l'intention et le takbīr. Dans le tašahhud il y en a sept: 1) position assise; 2) louanges à Dieu: «Prières à Dieu»; 3) salut au Prophète et aux serviteurs justes; 4) les deux šahāda; 5) les salawāt; 6) le taslīm; 7) l'ordre. (Ibid, pp. 166-167)

۵. اصطلاحاتی که وارد زبان فرانسه شده‌اند. این اصطلاحات به دلیل کثرت استعمال یا بار معنایی خاصی که دارند وارد زبان فرانسه شده‌اند. البته بعضی از این اصطلاحات با همان مفاهیم زبان مبدأ، به زبان مقصد منتقل نشده‌اند. این واژه‌ها از طریق نویسه‌گردانی وارد زبان فرانسه شده‌اند.

سید (Le sayyed) هجرت (L'Hégire) حدیث (Hadith) سوره (Sourate) چادر (Tchador) امه (Umma) سنت (Sunna) مناره (Minaret) خلافت (Califat) زکات (Zakat) امام (Imam) علما (Uléma)

۶. اصطلاحاتی که معادل آن‌ها در فرهنگ مسیحیت وجود دارد و از آن‌ها می‌توان برای بیان مقصود بهره برد.

Martyre	شهادت
Mosquée cathédrale	مسجد جامع
Baptême de sang	شریت شهادت

۷. اسامی خاص. اسامی خاص و اسامی مکان‌ها هر چند ساده به نظر می‌رسند، اما در متون اسلامی بسیار مهم‌اند، به نحوی که مترجمان برای یافتن معادل‌های مورد نظر ناچارند به فرهنگ‌های گوناگون مراجعه کنند. این مسأله بیشتر هنگام ترجمه نقشه‌ها و شکل‌ها رخ می‌دهد. این اسامی اغلب به شهرهای اسپانیا در صدر اسلام مربوط می‌شوند، ولی امروزه دیگر ترجمه نمی‌شوند.

Tolède	طلیطله (امروزه تولد)
Séville	اشبیلیه (امروزه سویل)
Grenade	غرناطه (امروزه گرانادا)

- این اسامی که اغلب از زبان عربی گرفته شده‌اند، به دلیل ضبط یا تلفظ نادرست، به آسانی نمی‌توان به اصل آن‌ها پی برد.

Guadalquivir	وادی الکبیر
Gibraltar	جبل الطارق

- اسامی ترجمه‌پذیر

Rio de Miel	نهر العسل
La ville du Salut	دارالسلام

- برای برگردان اسامی قبایل، فرقه‌ها، و... اغلب از نویسه‌گردانی اسامی و پسوند ides و ites استفاده می‌شود.

Idrissides	ادریسیان
------------	----------

Azraqites	ازرقیه
Ghassanides	غسانیان

- اسامی منسوب به باری تعالی با حرف بزرگ ذکر می‌شوند.

Le Très-Haut est le premier en étant le dernier, le dernier en étant le premier, manifesté à l'état caché, caché dans Sa manifestation. Il n'est pas enfermé dans une forme, épuisé par un attribut, limité par une frontière, conditionné par l'entendement ou soumis à un ordre. Il n'a pas d'associé en tant que roi, ni d'aide parmi ses créatures, ni de pareil parmi Ses serviteurs; et rien ne Lui ressemble dans Son action de conférer l'existence. L'opposition ne L'atteint pas, événements et éternité ne passent pas pour Lui. (*Ibid*, p. 140)

۸. با افزودن پسوند *ite* که از زبان یونانی *itês* گرفته شده، می‌توان برای اسامی‌ای که در اثر نویسه‌گردانی وارد زبان فرانسه شده‌اند، اسم یا صفتی ساخت که تعلق به یک گروه را نشان می‌دهد.

Islam chiite

Imâmîtes

۹. ترجمه تحت‌اللفظی. ترجمه تحت‌اللفظی ترجمه جزء به جزء یک ترکیب یا تعبیر هر چند به طور کلی توصیه نمی‌شود، اما در مورد بعضی از اصطلاحات (برای مثال حجة‌الوداع) می‌تواند کاملاً راهنما باشد.

Mosquée très éloignée	مسجد اقصی
Lieu sacré des sacrifices	مشعر الحرام
Pèlerinage de l'Adieu	حجة‌الوداع

۱۰. مسائل فرهنگی. در متون اسلامی به اشیاء، مفاهیم و نهادهای اجتماعی و فرهنگی‌ای اشاره می‌شود که لزوماً در زبان مقصد وجود ندارد، در نتیجه شناخت زبان مقصد به تنهایی کفایت نمی‌کند. ممکن است آنچه در یک جامعه قبح شمرده می‌شود، در جامعه‌ای دیگر قبح محسوب نشود. در چنین مواردی مترجم ناگزیر باید این گونه لغات و اصطلاحات را توضیح دهد تا تمام بار معنایی آن‌ها را منتقل کند.

Boire du vin	شرب خمر
Remplir un pèlerinage à la place d'un autre	نایب‌الزیاره بودن
Celui qui a abandonné les prières quotidiennes	تارک‌الصلوه
Tapis de prière	سجاده
Se frapper la poitrine	سینه زدن
Appel à la prière, chanter ou psalmodier l'appel à la prière et le réappel	اذان و اقامه
Négligeant dans les prières rituelles	کاهل نماز

۱۱. ترجمه از لاتین. با توجه به جایگاه والای زبان لاتین و قدر و منزلتی که مترجمان فرانسوی زبان به خصوص در زمینه متون اسلامی فلسفی برای این زبان قائل‌اند از معادل‌های لاتین استفاده می‌کنند.

Création <i>ex nihilo</i>	آفرینش جهان از عدم
<i>Materia prima</i>	جوهر هیولانی

۱۲. نویسه‌گردانی. نویسه‌گردانی روشی است برای خواندن صحیح‌تر و دقیق‌تر اصطلاحات و اسامی خاص، و نظایر این‌ها. در ایران هنوز معیار واحد و استاندارد شده‌ای برای این روش معمول نشده است. یکی از کامل‌ترین قراردادهای نویسه‌گردانی، اسلوب دانشنامه ایرانیکا است که

به دلیل اسلامی بودن اصطلاحات از آن استفاده نمی‌شود. برای نویسه‌گردانی متون اسلامی- و متفاوت با سایر روش‌ها- از دو حرف متوالی (مثلاً sh, kh, dj, gh, th) استفاده می‌شود و از این جهت کارایی کمتری نسبت به سایر اسلوب‌ها دارد، هر چند ارائه یک راهنمای جامع و کامل مشکل است، اما راهنمای زیر جامع‌تر به نظر می‌رسد. چون این راهنما برای استفاده عرب‌زبانان تهیه شده است، باید حروف پ (p)، گ (g)، چ (č) را به آن افزود.

### الفبای نویسه‌گردانی (آوانگاری) حروف در متون اسلامی

Lettre.	Translittération	Valeurs.	Variantes.
ء	,	occlusive glottale	
ب	b	— bilabiale sonore	
ت	t	— dentale sourde	
ث	t	spirante interdente sourde, parfois: s, t	th en orthographe francisée
ج	ğ	semi-occlusive alvéolaire sonore	dj _ _
ح	h	fricative laryngale sourde	h _ _
خ	h	— vélaire sourde	kh _ _
د	d	occlusive dentale sonore	
ذ	d	spirante interdente sonore, parfois: d, z	d, dh, z
ر	r	vibrante linguo-dentale	
ز	z	sifflante dentale sonore	
س	s	— — sourde	ss, ç
ش	š	alvéolaire fricative sourde	sh, ch, sch
ص	s	sifflante sourde vélarisée	s, ss, ç
ض	d	dentale sonore vélarisée	d
ط	t	— sourde —	t
ظ	z	sifflante sonore vélarisée	z
	d	spirante interdente vélarisée	
ع	‘	fricative laryngale sonore	
غ	g	— vélaire sonore	gh
ف	f	spirante labiodentale	
ق	q	occlusive vélaire sourde (pron. négligée)	k, c
ک	k	— palatale sourde	c
ل	l	latérale dentale sonore	
م	m	nasale bilabiale	
ن	n	— dentale	
ه	h	fricative glottale sourde	
و	w	sonante bilabiale vélaire	ou
ی	y	— prépalatale	

(Source: Lecercf, 1932, p. 203)

### نتیجه‌گیری

ترجمه لغات و اصطلاحات تخصصی مهم‌ترین بخش ترجمه محسوب می‌شود. در ترجمه متون اسلامی اکثر لغات و اصطلاحات تخصصی، معادلی در زبان مقصد ندارند و آنچه مشکل این نوع ترجمه را مضاعف می‌سازد ضرورت آشنایی با دو زبان مقدس (عربی و لاتین) است. در نتیجه کمبود فرهنگ‌های تخصصی مورد اعتماد و عاری از عیب و نقص در این حوزه کاملاً محسوس و ملموس است. در این مقاله سعی شد با دسته‌بندی لغات و اصطلاحات، مشکلات ترجمه- به ویژه با نقد و بررسی فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی تألیف دکتر ابراهیم شکورزاده- دقیق‌تر بررسی شود و به عنوان راه حل برای واژه‌هایی که به صورت توضیحی ارائه شده‌اند یا واژه‌هایی که با معادل‌گذاری، تمام بار معنایی آن‌ها در زبان مقصد بیان نمی‌شود نویسه‌گردانی پیشنهاد و نمونه‌هایی از آن ارائه شد. با نویسه‌گردانی تمام معنای لغات و اصطلاحات منتقل می‌شود و فراگیران زبان مقصد نیز با لغات تخصصی بیشتری آشنا می‌شوند. برای نویسه‌گردانی متون اسلامی- و متفاوت با سایر روش‌ها - از دو حرف متوالی (مثلاً، sh, kh, dj, gh, th) استفاده می‌شود و از این جهت کارایی کمتری نسبت به سایر اسلوب‌ها دارد که دانشجویان از

منابع

- ۱- توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، چاپ هفتم، سمت و طه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲- *سخن سمت*، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۲.
- ۳- شکورزاده، ابراهیم، *فرهنگ و اصطلاحات اسلامی*، سمت، تهران، ۱۳۷۵.
- 4- Chelot, V., Al-Qistas al- Mustaqim et la connaissance rationnelle chez Gazali, in *Bulletin d'études orientales*, Tome XV, Damas, Institut français de Damas, 1958.
- 17- Corbin, H., En Islam iranien, Aspects spirituels et philosophique, Edition Gallimard, 1971-2.
- 18- Lecerf, J., Littérature dialectale et renaissance arabe moderne, *Bulletin d'études orientales*, Tome II, Damas, Institut français de Damas, 1932.
- 19- Miquel, A., *Islam et sa civilisation*, VIIe- XXe siècle, Paris, Arman Colin, 1977.
- 20- Mollé, M., Profession de foi de deux Kubrawis: Ali Hamadani et Mohammad Nūrbahšīn *Bulletin d'études orientales*, Institut français de Damas, Tome XVII, Damas, 1962.